

روزی که مدافعان کوچک
با کمک رستم بزرگ شهر را نجات دادند

ما شکست ناپذیریم

روز بزرگداشت
حکیم توس فردوسی بزرگ
و پاسداشت زبان فارسی گرامی باد!

۲۳۹

کوله بیشت

ضمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد

چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴





گنج هزار ساله

به قول حکیم توس، فردوسی بزرگ:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد
بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، یک سلام صمیمی و گرم به
همه شما دوستان بهتر از جان!

امیدواریم در این روزهای پایانی ماه اردیبهشت خوب و سلامت باشید
و گل لبخند روی لبانتان شکفته باشد.

همان طور که می دانید فردا ۱۲۵ اردیبهشت در تقویم فارسی به نام
حماسه سرای بزرگ ایرانی یعنی حکیم ابوالقاسم فردوسی و روز
پاسداشت زبان فارسی نام گذاری شده است. حکیم توس سی سال از
زندگی اش را صرف سرودن کتاب شاهنامه کرد. کتاب ارزشمندی که
با گذشت این همه سال از زمان سرودنش، هنوز یکی از شاهکارهای
ادبیات حماسی* ایران و جهان به شمار می رود.

بچه های عزیز شاهنامه پر است از داستان های پهلوانانی وفادار و
مهربان و پاک که به مبارزه با بدی ها و تاریکی ها و زشتی ها می رود.
حکیم فردوسی با سرودن زندگی قهرمانان و جان فشانی آن ها برای
خاک، دین و مردم در شاهنامه به مادرش وطن دوستی و

مقاومت می دهد. شاهنامه پر است از آیین و رسم های
خوب که شخصیت و هویت ما را می سازد. بگویید بینم
اگر فردوسی شاهنامه را نمی سرود و برای ما به یادگار
نمی گذاشت، آیا ما زبان شیرین فارسی مان را داشتیم؟
پس باید گفت: زبان ما هویت و شخصیت ما را نشان

می دهد و ما باید با درست صحبت کردن،
به ایرانی بودن خود افتخار کنیم و از گنج
هزار ساله خود مراقبت کنیم.

* حماسی: ادبیات دلآوری و شجاعت

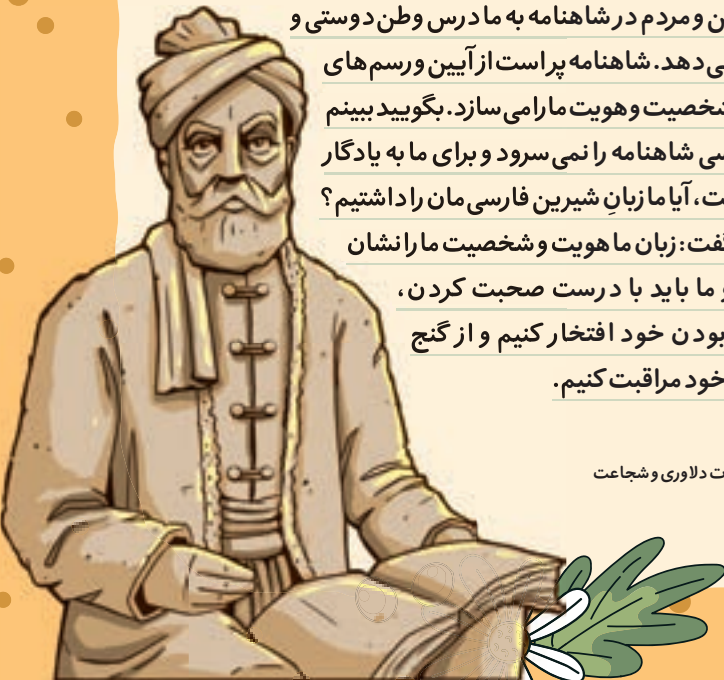


فهرست

- حرکت درخت ۱۱
- قهرمان بودن ۲۱
- قلم زیبای فردوسی ۳۱
- ما شکست ناپذیریم ۴۱
- کتاب های پهلوانی بخوانید ۶۱
- به این نقالی دقت کن ۷۱
- مواظبت از زبان فارسی ۸۱
- شخصیت رستم را خیلی دوست دارم ۱۰۱
- ریزه میزه های حفا ۱۲۱
- نتیجه اردوی توس در زنگ هنر ۱۴۱
- مثل داداش ابراهیم ۱۶۱

صاحب امتیاز:
شهر داری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر
سر دبیر:
سید سجّاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه:
ارژنگ حاتم
دبیر کوله پشتی:
طیبه سادات ثابت
مدیر هنری:
سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه آرایی:
ملک جمعی
ویراستار:
طیبه غلام رضایی

پست الکترونیک:
sabet@shahrara.com
نشانی سایت:
shahraranews.ir/fa/kids
پیام رسان روزنامه: ۰۶۰-۵۴۶۵۸۰۹۰
نشانی: خیابان کوهسنگی
ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
داخلی مستقیم کوله پشتی: ۲۷۸
توزیع و امور مشترکین:
۵-۳۷۲۸۸۸۸۱-۰۵۱
داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲





حرکت درخت



سلام دوستان خوب و علاقه مند به ورزش کوله پشتی. امیدوارم که سلامت و پرنرژی باشید. امروز می خواهیم یک حرکت خوب را که باعث قوی شدن عضلات پاهایتان می شود، انجام دهیم. این حرکت نامش «حرکت درخت» است. ما در این حرکت، باید درست مثل درختی که توی باغچه ی خیالمان ریشه دارد و بباد بازی می کند، باشیم. برای این حرکت ابتدا مثل یک درخت، ثابت، صاف و آرام بایستید سپس پاهایتان را کنار هم قرار دهید. حالا یکی از پاهایتان را بلند کنید و کف آن را به کنار پای دیگر بچسبانید، انگار ریشه اش را توی خاک کاشته اید. در این مرحله دست ها را مثل شاخه های درخت به سوی آسمان بالا ببرید و بکشید تا انگشتانتان به خورشید سلام کنند. این حرکت باعث می شود علاوه بر اینکه تعادل و کنترل بر حالت خود را تمرین می کنید، ماهیچه های دست و پاهایتان هم قوی شود.



تا فراموش نکرده ام این را هم بگویم که در مرحله آخر حرکت درخت، می توانید دست ها را هم باز نگه دارید یا بالای سرتان ببرید. در حرکت درخت، مثل درختی که باد را گوش می دهد و آفتاب را حس می کند، با هر نفس، بزرگ تر و قوی تر می شوید. شما حالا درختی تنومند هستید!



قهرمان بودن

قهرمان بودن چه سخت است
من خودم فهمیدم این را
باید اخلاقت شود خوب
زور بازو نیست تنها

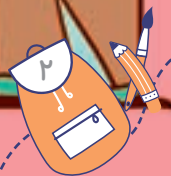
مهربان باشی تو باید
با تمام مردم شهر
چونکه کار قهرمان نیست
اخم و تخم و غرغر و قهر

باید از چیزی نترسی
راستگو و ساده باشی
هر کسی از تو کمک خواست
حاضر و آماده باشی

می شوی آن وقت حتماً
آدمی معروف کم کم
می شوی در بین مردم
قهرمانی مثل رستم



لیلا خیامی





قلم زیبای فردوسی

به مناسبت روز بزرگداشت حکیم فردوسی و پاسداشت زبان فارسی، امروز می‌خواهیم سری به شاهنامه فردوسی بزنیم که با قلم این شاعر بزرگ پر از افسانه‌های خواندنی است. از زال و رستم گرفته تا اسفندیار و سیمرغ. بله سیمرغ از مهم‌ترین موجودات در ادبیات پارسی است. او نقش مهمی در داستان‌های شاهنامه دارد. سیمرغ دانا و خردمند است و به رازهای پنهانی آگاهی دارد. در شاهنامه، نخستین بار سیمرغ برای فرزندانش دنبال غذاست که زال را در کوه البرز می‌بیند. دل به او می‌بندد و از او نگهداری می‌کند. آخرین بار، کمک گرفتن رستم برای نبرد با اسفندیار رویین تن است و به رستم یاری می‌رساند. دوست دارید به همین مناسبت قلم زیبای فردوسی را درست کنیم.

چطوری درست کنیم؟

ابتدا مقوای کارتن را باز کنید. روی آن یک مستطیل بکشید که ابتدای آن یک مثلث و انتهای آن یک دایره داشته باشد. دور قلم را قیچی کنید. آن را مطابق شکل رنگ کنید. اجازه دهید خشک شود. در این فاصله عکس سیمرغ و رستم را که از قبل تهیه کرده‌اید، قیچی کنید و روی قلم بچسبانید. حالا قلم زیبای فردوسی شما آماده است که می‌توانید به عنوان نشانگر کتاب از آن استفاده کنید.



چی لازم داریم؟

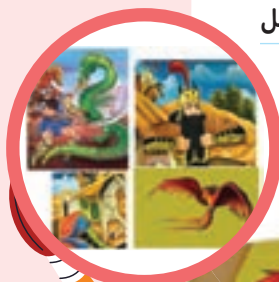
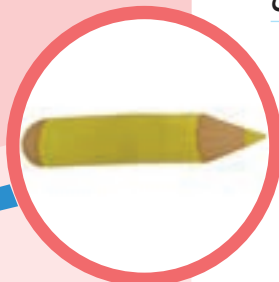
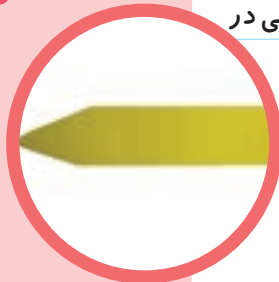
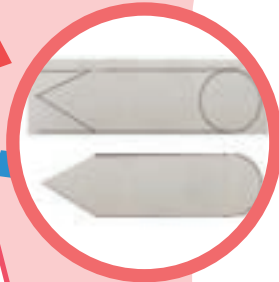
درجعه یا کارتن

قیچی

چسب مایع

آبرنگ یا ماژیک

عکس‌هایی از شاهنامه





ما شکست ناپذیریم



سهیل گاز دیگری به سیبش زد و گفت: «چه جوری آمد؟» ستاره یک قدم جلورفت و مؤدبانه گفت: «سلام رستم قهرمان. چه جوری آمدی؟» رستم دستی به سیل پریشتش کشید و لبخند زنان گفت: «با باد آدمم دیگر، بلیت هواپیما که برایم نفرستادید.» بعد هم گزش را توی هوا چرخاند و گفت: «دشمن کجاست که نابودش کنم؟» حسین با عجله گفت: «آرام تر. این همه خشونت لازم نیست. فقط یک هشت پاست.» بعد هم هیولا را به رستم نشان داد. رستم به هیولای روی چرخ و فلک نگاهی کرد و گفت: «اینکه یک هیولای درست و حسابی است بچه جان.» تا حالا توی هیچ سفری شبیهش را ندیده ام. میلاد آهی کشید و گفت: «پس نمی توانی شکستش بدهی؟» رستم تا این را شنید، با اخم داد زد: «من نمی توانم؟ من دیو سپید را شکست داده ام. مگر نشنیده ای؟» میلاد سری تکان داد و گفت: «چرا شنیده ام. داستان هفت خان را خوانده ام.» رستم رفت توی فکر و نگاهی به چرخ و فلک انداخت و گفت: «باید یک نقشه بکشیم.» بعد هم نشست یک گوشه و روی برگ بزرگی، مشغول نقشه کشیدن شد. بچه ها هم کمکش کردند. خیلی زود نقشه ی حمله آماده شد و رستم با دست خالی آماده ی حمله شد. بچه ها هم سلاح هایشان را درآوردند. میلاد تفنگ آب پاش داشت. حسین تیروکمان اسباب بازی. ستاره و سارا هم حباب سازهایشان را به کار انداختند. سهیل هم توپ به دست آماده شد. خیلی زود همه سمت هیولا حمله کردند. همان جور که رستم یکی از بازوهای هیولا را چسبیده بود تا او را پایین بکشد، بچه ها به سمت هیولا توپ و حباب و تیر و آب شلیک کردند. هیولا که انتظار چنین حمله ای را نداشت، حسابی دستپاچه شد. آخر سر هم آن قدر ترسید که بازوهایش را از دور چرخ و فلک باز کرد و گذاشت روی چشم هایش تا چیزی را نبیند. رستم هم مثل برق و باد او را کشید پایین و توی هوا چرخ

یک روز در شهر بازی شهر ما سروکله ی یک هیولا پیدا شده بود و بچه ها نمی توانستند از وسایل بازی استفاده کنند. بچه ها جمع شده بودند و از دور به چرخ و فلک بزرگ نگاه می کردند. ستاره آهی کشید و گفت: «حیف، دیگر نمی شود سوار چرخ و فلک شویم!» میلاد داد زد: «اصلاً معلوم نیست از کجا پیدایش شده! و به کجاها بخواهد برود» بچه ها دوباره به چرخ و فلک بزرگ و هشت پای بزرگی که بازوهایش را پیچیده بود دور چرخ و فلک نگاه کردند. سهیل گفت: اگر هیولا بخواهد به مدرسه مان بیاید چه زهره گفت: ای وای اگر هیولا به خانمان بیاید چه کار کنیم؟ همین موقع نگهبان پارک که داشت از دور از هیولای گنده فیلم می گرفت، گفت: «من می دانم از کجا آمده. قبلاً توی همین حوض بود. فکر می کنم ماهی گلی است. از بس بچه ها توی حوض برایش خوراکی های ناسالم ریختند، این جوری بزرگ شد. امروز هم که آدمم دیدم یک هیولای بزرگ شده و از حوض بیرون آمده بعد هم سریع از چرخ و فلک بالا رفته.» بروم بینم چه کار باید بکنم. سهیل همان جور که به سیبش گاز می زد، گفت: «بچه های قهرمان لازم داریم تا این هیولا را بیاورد پایین.» زهره کوچولو دست داداشش سهراب را گرفت و گفت: «یکی مثل رستم، من کتابش را خوانده ام.» بعد هم آهسته قاصدکی را که توی باغچه دیده بود، برداشت و فوتش کرد توی هوا و گفت: «شاید برود و به رستم خبر بدهد.» همین موقع باد تندی وزید و قاصدک چرخید و چرخید و با باد رفت. سهیل سرش را خاراند و گفت: «باد بردش. دیگر نمی تواند برود به کسی خبر بدهد. رستم بی رستم.» همین موقع صدای درشتی از پشت سرشان گفت: «چه کارم داشتید اول صبحی؟» بچه ها با عجله برگشتند سمت صدا. سارا جیغ کشید: «وای، خودش است!» میلاد دستپاچه گفت: «امکان ندارد!»



ایستاد کنار چرخ و فلک و چرخ و چرخ،
چرخ و فلک را چرخاند تا بچه ها کمی بازی
کنند. بعد هم که باد آمد، پرید روی
باد و ناپدید شد و رفت. کسی چه
می داند شاید یکی یک جای دیگر
به کمکش احتیاج داشت و او را صدا
زده بود.

و چرخ چرخاند و پرتش کرد آن دور دورها.
پشت کوه های بلند. شاید هم انداختش
توی دریا های دور. هیولا که رفت، بچه ها
باخوش حالی جیغ کشیدند و شادی کردند
و از رستم تشکر کردند. بعد هم دویدند تا
کمی چرخ و فلک سواری کنند. البته رستم
سوار نشد. ترسید چرخ و فلک بشکند. فقط



کتاب‌های پهلوانی بخوانید



زهره زاده

بچه‌های عزیز اگر علاقه مند هستید که بیشتر با داستان‌های شاهنامه این اثر ارزشمند حکیم فردوسی آشنا شوید، پیشنهاد می‌کنم کتاب تصویری شاهنامه را ورق‌بزنید. این کتاب شامل دوازده داستان مشهور از شاهنامه است که با قلمی ساده و امروزی بازنویسی شده است. داستان‌هایی مانند «ضحاک و کاوه آهنگر»، «رستم و سهراب»، «سیاوش» و «رستم و دیو سفید» در این مجموعه گنجانده شده‌اند که شما می‌توانید با تصویرگری زیبا، آن شخصیت‌ها را تصور کنید. این کتاب برای گروه سنی ۷ تا ۱۰ ساله مناسب است.



نام: قصه تصویری از شاهنامه
نویسنده: حسین فتاحی
ناشر: انتشارات قدیانی
سال انتشار: ۱۴۰۱



نام: قصه‌های شاهنامه
نویسنده: آتوسا صالحی
سال انتشار: جلد‌های ۱ تا ۳ در سال ۱۴۰۱
و جلد‌های ۴ تا ۶ در سال ۱۴۰۳

این مجموعه دوازده جلدی مجموعه‌ای از داستان‌های شاهنامه به قلمی روان و ساده است که کودک می‌تواند با شخصیت‌های کتاب شاهنامه، اتفاقاتی که رقم می‌زنند و خلق و خوی آن‌ها آشنا شود. باید بدانید که هر جلد از این مجموعه دوازده جلدی به یکی از داستان‌های معروف شاهنامه می‌پردازد. تصاویر جذاب و متن روان این مجموعه برای کودکان ۷ تا ۱۰ ساله مناسب است.





به این نقالی دقت کن

بچه‌های عزیز! اگر برای آشنایی بیشتر با حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ کتاب شاهنامه، به توس رفته باشید، حتماً مرد نقال* را که با صدای آهنگین و محکم از روی پرده نقاشی داستان‌های شاهنامه را می‌خواند، دیده‌اید. حالا به تصویر زیر دقت کنید و هفت تفاوت را پیدا کنید.



مواظبت از زبان فارسی



غیاث‌علی سیاهی
نویسنده

پایان

آفرین که یادگرفتی چطور مواظب زبان فارسی باشی. توبرنده شدی.



۴۵

شرح بازی: برای این بازی به یک تاس و به تعداد بازیکنان مهره نیاز داریم. بازی باتاس ۶ شروع می‌شود. برنده کسی است که زودتر مسیر را طی کند و به نقطه ی پایانی برسد و به دام مارهای نیش نیشو نیفتد. هدف این بازی آشنا کردن بچه ها با راه های محافظت از زبان فارسی است. بچه ها بازی می‌کنند و یاد می‌گیرند از چه راه هایی می‌توانند به حفظ زبان زیبای فارسی کمک کنند.

اگر می‌خواهی مواظب زبان فارسی باشی باید معنی کلماتش را بدانی. از لغت نامه استفاده کن.



۳۶

چی؟ معنی پاسداری را نمی‌دانی؟! مار نیش‌ت زد. برگرد خانه ۱۵ و سعی کن معنی این کلمه را یاد بگیری.



۳۵

آفرین که از زبان فارسی درست استفاده می‌کنی و آن پاسداری می‌کنی.



۳۴

آفرین که به زبان فارسی احترام می‌گذاری. این هم یک جور جنگ با دزدان زبان فارسی است.



۳۳

زبان فارسی مثل یک گنج بزرگ است. باید مواظبش باشی.



۲۹

هر جا گنج باشد دزد هم پیدا می‌شود.



۳۰

ممکن است دشمنان زبان فارسی، این گنج را بدزدند و نابودش کنند.



۳۱

می‌توانی با درست حرف زدن با دشمن زبان فارسی بجنگی و زبان فارسی را نجات بدهی. ۲۰ خانه برو جلو.



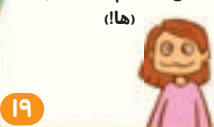
۳۲

کار خوبی می‌کنی شمرده و بلند صحبت می‌کنی که همه متوجه شوند. یک خانه برو جلو. (آمدم دوستم)



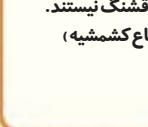
۲۰

تازه ممکن است فهمیدن معنی شان هم سخت شود. (ها)



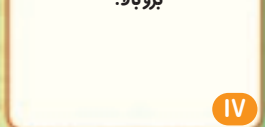
۱۹

کلمات وقتی درست گفته نشوند، قشنگ نیستند. (اوضاع کشمشیه)



۱۸

برو بالا.



۱۷

اگر این قدر از کلمات خارجی استفاده کنیم شاید کم کم کلمات فارسی را فراموش کنیم.



۱۳

دوستت دارد حرف می‌زند. ببین به تو چی گفت؟ ترمی



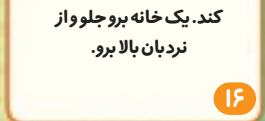
۱۴

نهمیدی چی گفت؟ (ترمی برو بیج کجان؟)



۱۵

آفرین «ترمه» که به او می‌گویی اسمت را درست و کامل تلفظ کند. یک خانه برو جلو و از نردبان بالا برو.



۱۶

الفبای فارسی را که نباید انگلیسی نوشت، فینگلیش کار خوبی نیست. یک خانه به عقب برگرد.



۴ BKMUYI

وای چرا زبان فارسی را به حروف انگلیسی نوشتی؟ یک بار تاس نریز و درستش کن.



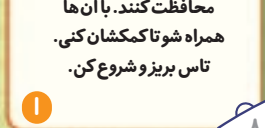
۳

ترانه و ترمه می‌خواهند به دیدن دوستان بروند و دارند باگوشی به او پیامک می‌دهند.



۲

بچه ها می‌خواهند یاد بگیرند چطوری از زبان فارسی محافظت کنند. با آن‌ها همراه شو تا کمکشان کنی. تاس بریز و شروع کن.



۱

شروع



ما باید زبان فارسی را
برای نسل های بعد
حفظ کنیم.



۴۱

نه، گاو صندوق و
کپسول زمان لازم
نیست!



۴۲

راه حفظ کردن زبان
فارسی گاو صندوق
نیست. به خانه ی ۲۳
برگرد.



۴۳

فقط فارسی حرف
بزن و درست حرف
بزن، همین.



۴۴

زبان که لباس
نیست قدیمی
شود. به خانه ی ۲۱
برگرد.



۴۰

به روز بودن،
خارجی حرف زدن
نیست. یک خانه به
عقب برگرد.



۳۸

خیلی خوب است که زبان فارسی
را دوست داشته باشی چون زبان
مادری توست.



۳۷

بگو ببینم (حافظ، سعدی، فردوسی)
هیچ کدام رانمی شناسی؟ ۲ خانه برو
عقب و کمی درباره شان مطالعه کن.



۲۵

اصلاً می توانی باکمک بزرگتر در
اینترنت بگردی و خیلی چیزها
در باره ی زبان فارسی یاد بگیری.



۲۷

می توانی این چیزها را به
بقیه هم یاد بدهی.
از نردبان بالا برو.

۲۸

باید از کتاب های
بزرگان زبان فارسی
چیزهای خوب یاد بگیری.



۲۴

ایران سرزمین شعر و ادب
است. پس ایرانی ها باید خوب
و درست
حرف بزنند.



۲۳

آفرین که حرفت
را کوتاه می زنی و
شلوغش نمی کنی. یک
خانه برو جلوتر.



۲۲

۲۱

انگلیسی یاد گرفتن خوب است،
اما چرا وسط کلمات فارسی
انگلیسی حرف
می زنی؟ یک بار
تاس نریز.



۹

اشتباه می کنی که فکر می کنی
اگر انگلیسی حرف بزنی
بیشتر به تو توجه می کنند.



۱۱

My God
این چه حرفی است که
می زنی؟ به خانه ۹ برگرد
و کمی فکر کن.



۱۲

وای چرا به جای سلام
hello گفتی؟
یک خانه به عقب برگرد.



۸

وقت رفتن به خانه دوستان
رسیده، زود باشید که دیر
نرسید.



۷

آفرین که این را به برادرت
هم یاد می دهی. از نردبان
بالا برو.



۶

آفرین که حواست هست دیکته ی
کلمات را درست بنویسی.



۵



گفت‌وگو با یک کودک شاهنامه‌خوان:



شخصیت رستم را خیلی دوست دارم

بچه‌های خوب و دوست‌داشتنی! آیا می‌دانید آشنایی با کهن‌ترین داستان‌های اساطیری، تاریخی و پهلوانی، زبان و ادبیات فارسی و خردورزی، چقدر در رشد و بالندگی شما تأثیر دارد؟ در جریان باشید شاهنامه‌ی فردوسی بر پایه‌ی این سه اصل سروده شده است و با خواندن آن می‌توانید به آگاهی‌های بسیاری دست پیدا کنید.

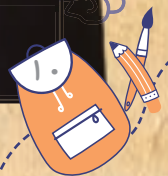


شیم کرمی

سبحان بینا با جی دوست هشت ساله شما، دانش‌آموز کلاس دوم مدرسه کرامت است. او وقتی در رده سنی نوباوگی بوده وارد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شده است و با توجه به شرکت در کلاس‌های کانون و استعدادیابی از سوی استادان با تجربه این مجموعه‌ی آموزشی، فرهنگی، مدتی است به شاهنامه‌خوانی روی آورده و در این راه پیشرفت خوبی داشته است. در ادامه گفت‌وگوی ما با سبحان را می‌خوانید.

از دوست‌داشتنی‌های دیگر هم برایمان می‌گویی؟

علاقه بسیاری به موسیقی و خوانندگی دارم و دو سال است که موسیقی اصیل ایرانی و ساز سه‌تار را کار می‌کنم. از حضور در کلاس‌های نقاشی کانون پرورشی هم خیلی لذت می‌برم.





فکر می‌کنی شاهنامه خوانی

چقدر در بهتر سخن گفتن

تو تأثیر داشته است؟

با فرا گرفتن این هنر،
دایره لغاتم بسیار زیادتر و
فن بیانم خیلی قوی‌تر شده
است، با توجه به اینکه به
مجریگری علاقه زیادی دارم
شاهنامه خوانی کمک می‌کند
بتوانم دنبال این خواسته‌ام
هم بروم.

از دوست داشتنی‌های

دیگرت هم برایمان

می‌گویی؟

علاقه بسیاری به موسیقی
و خوانندگی دارم و دو
سال است که موسیقی
اصیل ایرانی و ساز سه‌تار
را کار می‌کنم. از حضور در
کلاس‌های نقاشی کانون
پرورشی هم خیلی لذت
می‌برم.

سبحان جان! چقدر با

شاهنامه آشنا هستی؟

با توجه به اینکه شش
ماهی هست که
شاهنامه خوانی را آغاز
کرده‌ام، کم و بیش با
این اثر ادبی و فاخر
جاودانه آشنایی
پیدا کرده و تاکنون
توانسته‌ام ایات‌های
هم حفظ کنم، البته
هم زمان حکایت‌های
فراوانی را از گلستان
سعدی هم آموخته و
کار کرده‌ام.

کارم را در این زمینه با
اجرای تعدادی برنامه
شاهنامه خوانی در
مدرسه و شرکت در
جشنواره قصه خوانی
کانون آغاز کرده‌ام.
اکنون نیز در حال
تمرین برای مسابقات
شاهنامه خوانی
هستم. به نقالی هم
علاقه دارم اما نقالی
اجرای نوعی نمایش
تک نفره و پیچیده‌تر از
شاهنامه خوانی است.

از شاهنامه چه چیزی یاد گرفته‌ای و چقدر در زندگی و درس‌هایت تأثیر داشته

است؟

با تاریخ و فرهنگ غنی پیشین ایران آشنا شده‌ام و در درس فارسی و روان‌خوانی
آن مهارتم از پیش بیشتر شده است و معنی لغات بسیاری را یاد گرفته‌ام.
با برنامه‌ریزی مناسب، هم نمرات همه درس‌هایم «خیلی خوب» است و هم برای
هر اجرا به جز تمریناتی که در کانون برگزار می‌شود هر روز نیم ساعت در منزل
تمرین شاهنامه خوانی دارم. به خاطر پیشرفتم از کمک‌های مربی عزیزم خانم
حریفی قدردانی می‌کنم.

قصد دارم همچنان کلاس‌های کانون را ادامه دهم تا بتوانم در مسابقات
شاهنامه خوانی برای کسب مقام برتر شرکت کنم.

به دوستانم نیز پیشنهاد می‌کنم در هر سنی هستند حتما در کلاس‌های کانون
شرکت کنند تا استعدادها و علایق خود را شناخته و برایش تلاش کنند.

سبحان! کدام یک از شخصیت‌های شاهنامه را

بیشتر دوست داری و چرا؟

رستم را خیلی دوست دارم، زیرا انسانی قدرتمند و
درست کار است. اگر هم قرار بود از شخصیت‌های
شاهنامه امروز وجود داشته باشند دوست داشتم
رستم و پسرش سهراب باشند که در درست‌کاری
و شهامت سرآمد بوده‌اند.



ریزه میزه‌های حفار



دنیا پر از آفریده‌های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می‌خواهیم برای شما دانستنی‌های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیربومی کشورمان بگوییم. در این شماره انواع جردها و جریبل‌هایی را نام می‌بریم که زیستگاهشان در ایران است.



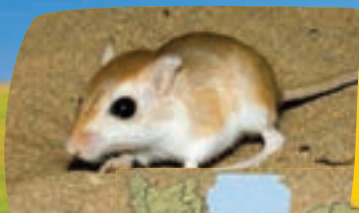
جریبل
بین‌النهرین



جریبل بزرگ



جریبل بلوچی



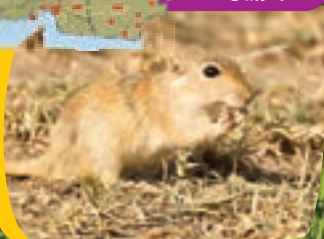
جریبل پاسبید



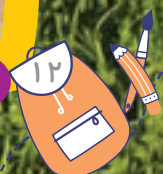
جریبل کرمانی



جریبل هندی



جریبل کوتوله





جرد تریست رام



جرد ایرانی



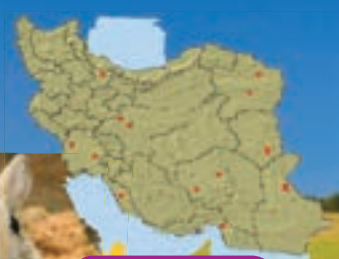
جرد زارودنی



جرد لیبی



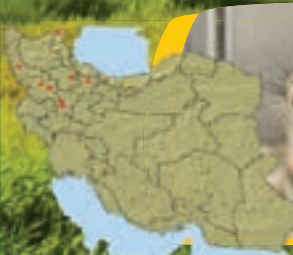
جرد ناخن زرد



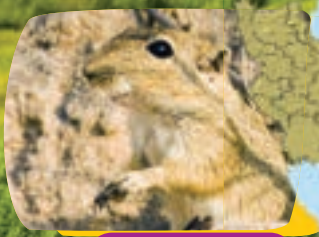
جرد نیمروز



جرد وینوگرادف



جرد هندی



جریل و جردها پستاندارانی هستند که در راسته جونندگان و از خانواده موش ها قرار دارند. این جانوران معمولاً از گیاهان، غلات، میوه جات و حشرات تغذیه می کنند.

نتیجه اردوی توس درزنگ هنر

روز ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت شاعر و حکیم بزرگ، ابوالقاسم فردوسی است. از طرف کانون ما را به دیدن مزار این شاعر همشهری مان بردند. وقتی به کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان که توی محوطه آرامگاه بود رسیدیم، هرکدام یک کتاب قصه از شاهنامه هدیه گرفتیم. وای چقدر باشکوه و زیبا بود. حالا دیگر ما بیشتر قهرمان های شاهنامه را می شناسیم!

بچه های عزیز من حالا که قصه های شاهنامه را خوندین و با قهرمانان این کتاب آشنا شدین، هرکدوم بر اساس کتابی که خوندین به قهرمان انتخاب کنین و چهره اش رو روی دیوار مدرسه بکشین و بگین چی ارزش یاد گرفتن.



مثل رستم
پهلوان و شجاع باش!

مثل
اسفندیار،
مقاوم و
بایمان
باش.

مثل زال،
مهربان و
پشتیان
باش.



مثل سیمرغ
حامی و پناه باش.

مثل کاوه
حق طلب و شجاع باش.

مثل کیخسرو
دوراندیش و خردمند باش.

ما هم می‌تونیم
مثل قهرمان‌های
شاهنامه باشیم.

ما هم می‌تونیم
مثل قهرمان‌های شاهنامه باشیم



همه ما قهرمان ها را دوست داریم. معمولا قهرمان ها افرادی باهوش و قوی هستند که در زمان های سخت و غیرممکن با شجاعت و فداکاری خود به کسانی که به کمک نیاز داشته باشند، کمک می کنند. این را هم باید بدانیم که ممکن است هر فردی با توجه به علاقه مندی و سلیقه اش، قهرمان مورد نظرش با دیگری فرق داشته باشد. تایادم نرفته است این را هم بگویم که قهرمان ها گاهی خیالی و غیر واقعی اند یعنی ما انسان ها به عنوان نویسنده و کارگردان و بازیگر با کمک حقه های سینمایی آن قهرمان را خلق می کنیم مثل بیشتر قهرمان های کارتون و فیلم سینمایی ها و گاهی واقعی اند یعنی مثل مادر این زمین زندگی کرده اند مثل غلامرضا تختی و رسول خادم و حسن یزدانی بعضی هایشان فرمانده اند مثل شهید علی صیاد شیرازی و سردار قاسم سلیمانی. ما پسری را می شناسیم که خیلی به زندگی قهرمانان علاقه مند است. بیایید ببینیم امروز کدام قهرمان را به ما معرفی می کند.

مثل داداش ابراهیم

اسم این آقای سرور رشکار مهدیار چاووشی است. او در مدرسه نسیم ظهور درس می خواند و ۹ ساله است.

مهدیار بچه زبر و زرنگ و درس خوانی است. هیچ وقت نشده است که به او بگویند درس و مشق هایت مانده است؟





مهدیار علاوه بر اینکه درس هایش خوب است اخلاقش هم حرف ندارد. وقتی لازم باشد می شود روی کمکش در کارهای خانه حساب کرد.



مهدیار بچه ی بی تفاوتی به اتفاقات اطرافش نیست. از وقتی که شنیده است بچه های مظلوم غزه در چه اوضاع سختی هستند، هم در پویش ایران همدل برای کمک به این بچه ها کمک کرده است و هم همیشه دعا می کند تا زودتر جنگ در غزه تمام شود و رژیم صهیونیستی نابود شود.



مهدیار عاشق مطالعه کتاب های زندگی قهرمانان کشورمان ایران است. او زندگی بیشتر فرمانده های شجاع ایرانی را خوانده است. الان هم دارد کتابی مربوط به زندگی ابراهیم هادی را می خواند.



مهدیار می گوید ای کاش سنم کم نبود تا برای کمک به بچه های مظلوم غزه لباس نظامی می پوشیدم و به صدای کمک خواهی آن ها جواب می دادم.

باتشکر از عکاس محترم
مامان مهدیار





تصویرگر: حامد غفاریان